

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی

۲۲ دسمبر ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

## سورة المعراج

سورة معراج در مکه مکرمه نازل شده و دارای چهل و چهار آیت و دو رکوع می باشد.

۲



فرشتگان مقرب الهی:

در مورد این که چرا در میان سایر فرشتگان صرف و صرف به نام جبرئیل اکتفاء شده است، این به خاطر اهمّیت خاص آن ملائکه که می باشد که از مقام خاصی در میان سایر فرشتگان برخوردار می باشد.

بصورت کل فرشتگان مقرب در بار الهی عبارتند از:

اول: جبرئیل امین:

جبرئیل به دلیل واسط بودن بین الله تعالی و رسول الله صلی الله علیه وسلم جهت نزول قرآن عظیم الشان لقب امین را گرفته است. طوری که یادآور شدیم: جبرئیل امین مسؤول وحی بوده است، وظیفه دارد تا ارتباط بین الله با پیامبران را برقرار نماید. ناگفته نباید گذاشت که از جبرئیل در قرآن عظیم الشان به عنوان روح القدس نیز یاد شده است.

صفات جبرئیل:

خداوند جبرئیل را به صفت‌های عظیم و بزرگی توصیف فرموده: و می فرماید: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ، الْجَوَارِ الْكُنَّسِ، وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ، وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ، إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ، ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ، مُطَاعٌ ثَمَّ أَمِينٌ» (سورة التکویر: ۱۵ - ۲۱). «پس سوگند می خورم به ستارگان باز گردنده. (ستارگان) سیار نمانند. و به شب چون بازگردد. و به صبح چون

بدمد. بی گمان آن بر خوانده فرستاده بزرگوار است. توانمند به نزد صاحب عرش، صاحب منزلت. فرمانبرداری شده در آنجا امین».

**صفت اول: قدرت:** قرآن عظیم الشان در (آیت ۲۰ سوره التکویر) می فرماید «ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ». «توانمند به نزد صاحب عرش»، «ذِي الْعَرْشِ» «صاحب عرش»، «ذِي قُوَّةٍ» «فرشته توانمند». این صفت جبرئیل است.

**صفت دوم: منزلت «مکین»** «نزد پروردگار صاحب عرش دارای منزلت و مکانت است». یعنی صاحب منزلت و مکانت نزد الله تعالی که کسی غیر از او به چنین مقام و منزلتی نمی رسد.

**صفت سوم: طاعت «مطاع».** «در بین فرشتگان فرمانروا (فرمانده) است». تمامی فرشتگان به امر و فرمان خداوند از جبرئیل اطاعت می کنند.

**صفت چهارم: امانت «امین»:** «در حمل قرآن و تبلیغ آن به رسول الله صلی الله علیه وسلم و آنچه به او امر شود امین است». یعنی بر وحی امین است، هیچ چیزی از آن را کم و زیاد نمی کند بلکه آن را همچنان که خداوند نازل کرده می رساند.

محمد صلی الله علیه وسلم جبرئیل را مشاهده نمود: قرآن عظیم الشان در (آیت ۲۲ سوره التکویر) می فرماید: «وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ». «دوست و هم صحبت شما که در میان شما بزرگ شده و او را شناخته و ستوده اید (رسول اکرم صلی الله علیه وسلم) دیوانه نیست و هرگز امکان دیوانگی برای او نیست».

چنانکه کفار می گفتند: محمد صلی الله علیه وسلم دیوانه است.

«وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ» (سوره التکویر: ۲۳). «به راستی (او) آن (فرشته) را در کرانه آشکار آسمان دید».

رسول الله صلی الله علیه وسلم دوبار جبرئیل را در آفق مشاهده کرد.

بار اول در بطحاء مکه (یکی از محله‌های شهر مکه)، وقتی سر خود را بلند کرد او را در ابرهای آسمان دید که ششصد بال دارد و هر بالی آفق را پوشانیده است.

بار دوم: طوری که در آیات (۱۳ و ۱۴ سوره النجم) می فرماید: «وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى، عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى». «و به راستی او را باری دیگر دیده بود. در نزد سدره المنتهی (یعنی جبرئیل را) رسول الله مشاهده کرد». (و آن در محلی است که منتهی و آخر عروج به آسمان است و فرشتگان و ارواح شهداء و پرهیزکاران از آن بالاتر نروند).

رسول الله صلی الله علیه وسلم در شب معراج در آسمان چنان که خداوند جبرئیل را آفریده او را دید.

### دوم: میکائیل:

میکائیل، فرشته بخشش و شفقت، نگهبان سابق زمین که وظیفه آوردن باران و رعد را بر روی زمین بر عهده دارد.

### سوم: اسرافیل:

اسرافیل: مسؤول نفخ صور و یکی از حمل کنندگان عرش الهی است.

### چهارم: عزرائیل:

عزرائیل، فرشته مرگ، کسی که مسئولیتی بس خطیر و به ظاهر ترسناکی برعهده دارد و آن جداسازی روح انسان از بدن است. در قرآن عظیم الشان هرگز از این نام برای ایشان استفاده نشده ولی به جای آن لقب ملک الموت را به ایشان اعطاء فرموده است.

### فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (۵)

پس صبر کن صبری جمیل [صبری که در کنارش جزع و ناخشنودی نباشد]. (۵)

«صَبْرًا جَمِيلًا»: در برابر رنج و آزار قومت تنها به خدا شکوه کن.

الله تعالی در آیات (۵ الی ۹) این سوره پیامبر صلی الله علیه وسلم رابه صبر جمیل دعوت نموده و می فرماید: «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (۵) «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا» (۶) «وَنَرَاهُ قَرِيبًا» (۷) «يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ» (۸) «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ» (۹) (پس صبر کن صبری نیکو. همانا آنان آن روز را دور می بینند.

و ما آن را نزدیک می بینیم. روزی که آسمان همانند فلز گداخته شود. و کوهها مانند پشم حلّاجی شده گردد.) در آیت مبارکه به رسول الله صلی الله علیه وسلم اطمینان داده می شود که وقت آمدن عذاب بر آنان نزدیک است پس صبر کن که موعد انتقام دیر نیست. همچنین درس و عبرت دیگری که از فحوای این آیت مبارکه بوضاحت معلوم می گردد اینست که حتی پیامبران هم ضرورت به اطمینان و توصیه به صبر و پایداری دارند.

### إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶)

زیرا آنها آن (روز) را دور می بینند. (۶)

### وَنَرَاهُ قَرِيبًا (۷)

و ما آن را نزدیک می بینیم (۷)

در آیت مبارکه پروردگار با عظمت می فرماید که فرا رسیدن قیامت نزدیک است و حکمت قرب قیامت این فهم را می رساند و به انسان هشدار می دهد که برای کوچ کردن از این عالم به عالم آخرت توشه راه را بردارد و خود را آماده این کوچ کشی نماید، آنانی که موضوع قیامت و روز حساب را بعید می شمارند واضح است که از این حکمت غافل هستند. ناگفته نماند که همین غفلت باعث کافر شدن آنها می شود و آنها را دچار عذابهایی الهی می سازند.

بناءً نباید انسان به دنیای زود گذر دل ببندد و باید همیشه آماده کوچ کردن به جهان پایدار باشد در حدیثی از حضرت ابوهریره (رض) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: ای مردم! مرگ را یاد کنید و به یاد داشته باشید که لذت های دنیوی را ختم می کند. (جامع الترمذی، سنن ابن ماجه، معارف الحدیث).

همچنان در حدیثی دیگری از عبد الله بن عمر روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که تحفه مؤمن مرگ است (شعب الایمان للبيهقي، معرف الحدیث). همچنین ابن عمر رضی الله عنهما می فرماید:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَنْكَبِي فَقَالَ: كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ!

وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَقُولُ: إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تَتَنَطَّرِ الصَّبَاحَ، وَإِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تَتَنَطَّرِ الْمَسَاءَ، وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرَضِكَ، وَمِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ!

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم شانه مرا گرفت و فرمود: در دنیا چنان باش که گویا غریب، و یا راهگذری هستی. و عبدالله بن عمر همیشه می گفت: شبانگاهان، به انتظار بامداد منشین و بامدادان، به انتظار شب منشین، و از زمان تندرستی برای روزهای مریضیت و از زندگی برای مرگت توشه بردار. (بخاری رحمة الله تعالی این حدیث را روایت کرد).

محدثین در شرح این حدیث می فرمایند:

در این حدیث دستور العمل بسیار پرارزش و پر اهمیتی است، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم توصیه می فرماید که در زندگی دنیا دل به چیزی میند و چنان زندگی کن که گویی غریب هستی و در صدد رفتن به وطن اصلی خود و هستی یا این که گویا راه گذری هستی که برای رسیدن به وطن به سفر خود ادامه می دهی، وطن برای شخص با ایمان جهان اخروی است، زیرا این جهان که روزهای معدودی با تحمل دهها مسؤولیت در آن می گذرد، شایسته دلبستگی نیست.

منظور این نیست که در دنیا دارای چیزی نباشی، زیرا اسلام همیشه تأکید می نماید که شخص مؤمن نیازهای خود را شخصاً مرتفع سازد و زندگی آبرومندانه داشته، خانه و خانواده تشکیل دهد، دین خود را در اجتماع از خدمت به اجتماع اداء کند، همیشه در نیکوکاری و کارهای خیر پیش قدم باشد و اینها همه لازمه اش این است که انسان دلبستگی به مال دنیا نداشته باشد، مال داشته باشد ولی دلبسته آن نباشد. فرق است میان کسی که مالی ندارد و کسی که مال دارد، اما به حدی دلبستگی به مال دارد که مال دادن و جان دادن را مثل هم می داند و کسی که مال دارد، اما آن را برای خیر و نیکوکاری و اجتماع می خواهد.

کسی که در دنیا خود را غریب ندانست و خود را رهگذر نشمرد، روزها پس از شبها و شبها پس از روزها را به بیهوده می گذراند و عمری را که هر لحظه آن از همه دنیا پرارزش تر است تاراج می نماید و وظیفه ای را که در این جهان به او محول شده است با ندانم کاری و غفلت زدگی و هدر دادن وقت انجام نمی دهد و وقتی به خود می آید که داس اجل به طور بی رحمانه شاخه های عمر او را از هم قطع می نماید، آن وقت به جز حسرت و پشیمانی چیزی دیگری باقی نمی ماند و آن وقت که انسان می داند لحظه ای از عمر چقدر ارزش دارد، اندازه حسرت و افسوس از تصور بیرون می شود.

چه بسیار مریضانی که چند لحظه قبل از مرگ به خود می آیند، در آن لحظات می خواهند با هر که دشمنی کرده اند، آشتی کنند. هر چه از دست رفته، باز یابند و غفلت زدگی را کنار بگذارند و به کارهای خیر بپردازند، اما افسوس و صد افسوس که آن لحظات دیگر برایش فایده نمی رساند.

### يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸)

روزی که آسمان مانند مس گداخته شود (۸)

«السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ»: آسمان مانند فلز گداخته یا ذوب روغن زیتون.

قرآن عظیم الشان برخی از وقایع روز قیامت را که مردم را سخت به وحشت می اندازد و روح و جان انسان را تسخیر میدارد، چنین به بیان گرفته است:

یکی از آن رویدادها و وقایع، نابودی هولناک کامل جهان هستی است، که شامل حال زمین، کوهها، آسمان، ستارگان، آفتاب و مهتاب را در بر می گیرد.

الله متعال، بیان می فرماید که زمین به لرزه می افتد و کوبیده می شود، کوهها حرکت می کنند و در آسمان پراکنده می شوند، ابحارها شکافته می شوند و آتش می گیرند، آسمان شکافته شده و در هم می پیچد، آفتاب تاریک می شود و از بین می رود، ماه تابان خاموش می گردد، ستارگان تیره می شوند و فرو می ریزند.

**جمع شدن زمین و در هم پیچیدن آسمان:**

الله متعال در روز رستاخیز، زمین را در مشت خود گرفته و آسمان‌ها را با دست راست در هم می‌پیچد، همان گونه که می‌فرماید: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (سوره الزمر: ۶۷). «آنان آن گونه که شایسته است، الله را نشناخته اند. در روز رستاخیز، سراسر زمین یکباره در مشت او قرار دارد و آسمان‌ها با دست راست او در هم پیچیده می‌شود. الله پاک و منزّه از شرک آنان است». الله متعال، چگونگی در هم پیچیدن آسمان را، این گونه بیان می‌فرماید: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (سوره الانبياء: ۱۰۴). «روزی که ما آسمان را در هم می‌پیچیم، به همان صورت که طومار نامه‌ها در هم پیچیده می‌شود. همان‌گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آفرینش را دوباره باز می‌گردانیم. این وعده‌ای است که ما می‌دهیم و بی‌گمان آن را به انجام می‌رسانیم».

مفسیر کبیر جهان اسلام ابن کثیر می‌فرماید: ابن عباس و علی بن ابی طلحه، سجل را به صحیفه تفسیر کرده اند و مجاهد، قتاده و چند نفر دیگر، بدان تصریح نموده‌اند. در میان مفسران، ابن جریر نیز همین دیدگاه را انتخاب کرده است، چون چنین تفسیری، از نظر زبانشناسی معروف است، بنابراین، مفهوم آیت چنین است: الله در روز رستاخیز، آسمان را مانند کتابی در هم می‌پیچد.

در همین مفهوم، گفتار هائی از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل شده است. از ابوهریره (رض) روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يَقْبِضُ اللَّهُ الْأَرْضَ وَيَطْوِي السَّمَاوَاتِ بِيَمِينِهِ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ أَيْنَ مُلُوكِ الْأَرْضِ». «الله متعال در روز رستاخیز، زمین را در دست می‌گیرد و آسمان‌ها را با دست راست در هم می‌پیچد. سپس می‌فرماید: من پادشاه هستم، پادشاهان دروغین زمین کجا رفته اند؟». (مشكاة المصابيح (۵۳/۳) شماره (۵۵۲۲)).

### وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (۹)

و کوه‌ها مانند پشم رنگین متلاشی خواهد بود. (۹)

«الْعِهْنُ»: پشم رنگین.

«الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ»: کوه‌ها مانند پشم رنگارنگ.

زمانی که کوه‌ها در هم کوبیده شوند و در هوا منفجر و پراکنده گردند، شبیه پشم زده می‌شوند زیرا کوه‌ها در رنگ‌های مختلفی‌اند پس چون به هوا پراکنده شوند به پشم زده شباهت دارند.

قرآن عظیم الشان در (آیات ۱۳ - ۱۶ سوره الحاقه) وضعیت متلاشی شدن کوه‌ها را به بیان و تعریف می‌گیرد، و همچنان این که این زمین ثابت و پا برجا و کوه‌های استوار که در روز قیامت و هنگام دمیدن در صور، یکباره در هم کوبیده و متلاشی می‌گردند. چنین می‌فرماید: «فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةً وَحِدَةً، وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَحِدَةً، فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ، وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ» «در آن هنگام، که در صور دمیده شود زمین و کوه‌ها از جا برداشته شوند و یک باره در هم کوبیده شوند. در آن هنگام، رویداد (رستاخیز) رخ می‌دهد و آسمان شکافته می‌شود و در آن روز، سست و نا استوار می‌گردد».

و باز می‌فرماید: «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا» (سوره الفجر: ۲۱). «هرگز! زمانی که زمین سخت در هم کوبیده شود و صاف و مسطح گردد».

در آن هنگام این کوه‌های سخت، به ریگ‌های نرم تبدیل می‌شوند.

الله تعالی می‌فرماید: «يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلاً» (سوره المزل: ۱۴). «در روزی که زمین و کوه‌ها سخت به لرزه در آیند و کوه‌ها به توده‌های پراکنده ریگ روان تبدیل شوند».

همچنان در مورد تبدیل شدن کوه ها مانند پشم رنگین باز هم می فرماید: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ» (سوره المعارج: ۹).  
(و کوهها مانند پشم رنگین متلاشی خواهد بود.) و باز می فرماید: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (سوره القارعة:  
۵). «و کوهها به سان پشم رنگین حلاجی شده می شوند».

سپس الله متعال این کوهها را از جا می کند و زمین را هموار می گرداند، طوریکه هیچ نشیب و فرازی در آن دیده نمی شود.

قرآن عظیم الشان از نابودی کوهها، گاهی به سیر «روان شدن» و گاهی به نسف «پراگندن» تعبیر کرده است: «وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا» (سوره النبأ: ۲۰). «و کوهها روان می شوند و سراب می گردند». «وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ» (سوره المرسلات: ۱۰). «و هنگامی که کوهها پراکنده می گردند». «وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ» (سوره التکویر: ۳). «و هنگامی که کوهها رانده می شوند».

سپس وضعیت زمین را پس از حرکت و پراگندگی کوهها، این گونه بیان می دارد: «وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (سوره الکهف: ۴۷). «روزی ما (نظام جهان هستی را به عنوان مقدمه ای برای نظام نوین، در هم می ریزیم و از جمله کوهها را به حرکت در می آوریم و) همه موانع سطح زمین را از میان برمی داریم به گونه که (زمین را) هموار و همه چیز را در آن نمایان می بینی و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی گذاریم».

ومی فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا، فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا، لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا» (سوره طه: ۱۰۵-۱۰۷). «(از تو درباره کوهها می پرسند، بگو: پروردگار آنها را از جا می کند و (در هوا) پراکنده می کند. سپس زمین را مانند زمینی صاف و هموار رها می سازد (زمینی که) در آن هیچ گونه نشیب و فرازی نمی بینی».

### وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰)

و هیچ دوستی صمیمی از (حال) دوست دیگر نمی پرسد. (۱۰)

«حَمِيمٌ»: خویشاوند مشفق، از شدت ترس.

حمیم به معنای دوست مخلص و صمیمی است، در اینجا از شدت قیامت بحث به میان آمده است که در آن روز هیچ دوستی از دوست دیگر نمی پرسد، چه برسد که یکی به دیگری کمک به عمل آرد، سپس این را بیان می کند که عدم سؤال، از آن جهت نیست که دوست در پیش او نمی باشد، بلکه قدرت الهی همه را رویاروی یک دیگر قرار می دهد و هر شخصی در عالم «نفسی نفسی» قرار گرفته است که نمی تواند بر راحتی و مشقت دیگری توجه داشته باشد.

(تفصیل موضوع را می توان در تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی در سوره المعارج) به تفصیل مطالعه فرماید.

خواننده محترم!

برخی از صحنه های احوال کافران، هنگام بیرون آمدن از قبرها، و این که در وضع ناامیدی و افسوس قرار دارند، این وضع را قرآن عظیم الشان چنین بیان فرموده است: «يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصْبٍ يُؤْفِضُونَ، خَشْيَةً أَبْصُرُهُمْ تَرَاهُمْ ذَلَّةً ذَلَّةً ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ» (سوره المعارج: ۴۳-۴۴). «روزی که شتابان از قبرها بیرون شوند، گوئی که به سوی بت هایشان می شتابند! در حالی که چشمان شان (از ترس) به زیر افتاده است و خواری ایشان را فرو گرفته است. این همان روزی است که بدیشان وعده داده می شد».

خود مشرکان، به طور عاجزانه به سختی و دشواری جایگاه خود که در آن روز که بدان مبتلا اند اعترف می نمایند: «يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِيرٍ» (امروز روز بسیار سختی است) (سوره قمر، آیت: ۸). - ادامه دارد